نگاه سیاستمدار

کاشت بذر دموکراسی

انور ابراهیم*
ترجمه : احسان صحافیان

از زمان وقایع ۱۱ سپتامبر ایالات متحده اقدام به پیشبرد «استراتژی پیشبرد آزادی» کرده است، استراتژی‌ای که بر این اعتقاد مبتنی است که فقدان دموکراسی به پراکنش اندیشه مرگبار افراطی گری اسلامی در کشورهای مسلمان انجامیده است. ایالات متحده که زمانی پیروزی ایدئولوژیک دشواری بر رژیم‌های اروپای شرقی در جنگ سرد به دست آورده، بار دیگر تلاش کرده است که با پیشبرد دموکراسی در کشورهای خارجی امنیت خود را تحکیم کند. با این حال اکنون که نخستین ثمرات تلاش برای دموکراتیزاسیون جهان اسلام قابل ارزیابی است، اضطراب فزاینده‌ای در ایالات متحده درباره ماهیت دولت‌های منتخب نوپا به چشم می‌خورد. برخی در توان ذاتی این کشورها برای تحمل دموکراسی ابراز تردید می‌کنند. اگرچه نمی‌توان انکار کرد که طرح‌های ایالات متحده برای اصلاحات به گونه‌ای قابل توجه به توسعه خاورمیانه منجر شده است، هراس از اینکه رادیکال‌ها دموکراسی را به سرقت برند رو به فزونی است. پیروزی‌های اخیر در انتخابات مصر و فلسطین توان نیروهای لیبرال برای غلبه بر بنیادگرایی را زیر سئوال برده است. ایالات متحده اگرچه احتمالاً به اندکی اسلام‌ترسی مبتلا است، حقیقتاً نگران روند دموکراتیک منطقه است، زیرا بسیار اسفبار است اگر این تلاش سترگ برای پراکنش آزادی منجر به روی کار آمدن دولت‌های اسلامی ضدآمریکایی شود که قانون اسلامی (شریعت) را بر مردم خود تحمیل می‌کنند. پیروزی حماس در غزه و کرانه غربی مشکلات آشکاری به‌بار آورده است. اما باوری ناصحیح خواهد بود که فرض کنیم پیروزی حماس به معنی ختم دموکراسی به افراطی گری اسلامی است. در حقیقت این سال‌ها فساد و سوءاستفاده از قدرت دولت تحت رهبری فتح بود که حماس را به قدرت رساند. اگر معتقد باشیم برقراری دموکراسی به تخلیه خشم و نارضایتی مردم از قدرت می‌انجامد، نتیجه باید قابل پیش‌بینی بوده باشد. برخی می‌گویند ایالات متحده باید در خاورمیانه به دنبال ترویج ثبات باشد و نه آزادی. در دیدگاه آنها حمایت از دموکراسی مبتنی بر انتخابات تا مدت‌ها با منافع آمریکا در جهان خارج به‌خصوص در چارچوب جنگ با تروریسم سازگاری نخواهد داشت و «قلوب و اذهان» تروریست‌ها و عاملان انفجارهای انتحاری تحت تاثیر فواید دموکراسی قرار نخواهد گرفت. آنها می‌گویند که جنگ علیه تروریسم را باید با مشت آهنین پیش برد و نه مشت درون دستکش ظریف‌بافته از آزادی‌های برآمده از قانون اساسی. این دیدگاه‌ها درباره دموکراسی و ثبات در جهان اسلام نه تنها اشتباه است که می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. استراتژی واشینگتن را می‌توان کفاره گناهان گذشته دانست، زمانی که ایالات متحده مانعی جدی برای دموکراسی در خاورمیانه بود. ایران در سال ۱۹۵۳ زمانی که سیا اقدام به طراحی کودتا کرد یک دموکراسی بود، اما در پیامد کودتا رژیمی اقتدارگرا در این کشور بر سر کار آمد. ایالات متحده همچنین از سایر مستبدان منطقه از جمله صدام حمایت می‌کرد. این اقدامات در چند دهه رویارویی با بلوک کمونیسم به نام ثبات و امنیت توجیه می‌شد. آیا واشینگتن حقیقتاً میان حمایت از دیکتاتورها و ترویج دموکراسی که می‌تواند اسلامگرایان رادیکال را به قدرت برساند گرفتار آمده است؟ بهترین پاسخ‌ها برای این پرسش که آیا آمریکا باید استراتژی خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد در اندونزی و ترکیه نهفته است، جایی که مسلمانان به بهترین نحو توان خود در استقرار دموکراسی را به نمایش گذاشته‌اند. هفت سال پیش اندونزی پس از ۳۰ سال دیکتاتوری و خودکامگی به سرعت به دموکراسی دست یافت. اندونزی به عنوان بزرگترین کشور مسلمان احتمالاً قابل توجه‌ترین پدیده سیاسی در تاریخ متاخر دموکراسی است. مردم اندونزی از آن زمان تاکنون دوبار پای صندوق‌های رای رفته‌اند و با اکثریت قاطع رادیکال‌های اسلام‌گرا را رد کرده‌اند. به گونه‌ای که این گرایش سیاسی مسیرهای متفاوتی را برای پیگیری اهداف خود برگزیده است. (اشاره به فعالیت‌های تروریستی به عنوان مثال بمب‌گذاری در بالی- م) این مسیر نیز مجدداً قاطعانه توسط اکثریت سازمان‌های مسلمان با واکنش منفی روبه‌رو شد. مطبوعات اندونزی آزادند و انتخابات با حداقل تقلب و دستکاری برگزار می‌شود. آزادی‌های بنیادی در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است و کاملاً توسط صاحبان قدرت پاس داشته می‌شود؛ مردم اندونزی متفاوت با کشور همسایه مالزی می‌توانند برای اعتراض به تصمیمات و سیاست‌های دولت بدون ترس از برخورد ماموران گرد هم آیند. خبری از دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه نیست. اندونزی و هند به عنوان دموکراسی‌های نوپا راهی طولانی پیش‌رو دارند. در اندونزی این امر بسته به تحقق اهداف اجتماعی اقتصادی دموکراسی تنها با مرور زمان ممکن است. در ترکیه کنترل تشکیلات قدرتمند ارتش به بهبود موقعیت این کشور در اتحادیه اروپا انجامیده است. با این وجود آنها اکنون در میانه راه ایستاده‌اند؛ از یک سو الگویی برای ملل مسلمان هستند و از سوی دیگر نیازمند کمک. (برای پیوستن به اتحادیه اروپا- م) ایالات متحده برای موفقیت در تلاش برای گسترش دموکراسی باید به خاطر داشته باشد که دموکراسی مشروطه (مبتنی بر قانون اساسی و مجلس متشکل از نمایندگان منتخب مردم ـ م) نمی‌تواند بدون تعهد قاطع قدرتمندان عرصه سیاست به حفظ حقوق اساسی آزادی و مساوات در جامعه - سکولار یا اسلامی- ریشه بدواند. کاشت صحیح بذر دموکراسی نیازمند چیزی بیش از برگزاری انتخابات است. به علاوه نیازمند پیگیری روندهای دموکراتیک و مسطح کردن زمین بازی سیاست دارد. این امر نیازمند ضمانت تفکیک قوا و آزادی نظام‌های قضایی از چنگال خودکامگان و مستبدان و بیش از همه نیازمند حفظ آزادی‌های بنیادی و آزادی مطبوعات است. ایالات متحده و جهان اسلام باید به منظور فراهم آوردن پیش‌نیازهای دموکراسی در قالب تلاشی به مراتب ارزشمندتر سرمایه‌گذاری کنند که نهایتاً به اقتدار واقعی مبانی آزادی بینجامد.

* معاون پیشین نخست‌وزیر مالزی

فصلنامه چشم‌اندازهای نو

این بار معجزه از دهلی نو سردرمی‌آورد

چرا هندی‌ها کمتر می‌بازند

فرید زکریا
ترجمه : محمدحسین باقی

اقتصاد خوب گاهی جبران‌کننده سیاست خوب است، حداقل این آرزوی هند بوده است. تغییر دیگر این است که از سال ۱۹۹۳ تاکنون، دموکراسی به حدی گسترش یافته که روستائیان بتوانند صدای خود را در مورد امورات خویش رساتر بیان کنند. مهم‌تر اینکه، شوراهای روستایی ۳۳ درصد از کرسی‌های خود را باید به زنان اختصاص دهند. در نتیجه یک میلیون زن منتخب در روستاهای سراسر این کشور وجود دارد. آنها هم‌اکنون تریبونی خواهند داشت که از طریق آن خواهان آموزش و بهداشت بهتری شوند. این توسعه‌ای رو به بالا است با جامعه‌ای که دولت را به جلو هل می‌دهد.

آیا دولت پاسخی خواهد داد؟ بوروکرات‌ها که طی دوره راجه‌های بریتانیایی ایجاد شدند و به طور گسترده‌ای در عصر سوسیالیستی هند توسعه یافتند، علاقه‌مند به حفظ قدرت و امتیازات ناچیزشان هستند. آنها به سیاستمدارانی که از قدرت عزل و نصب برخوردارند ملحق می‌شوند. برخی روزنامه‌نگاران و اندیشمندانی وجود دارند که هنوز به برخی عقاید رمانتیک مربوط به سوسیالیسم جهان سومی پایبند هستند. در طبقه حاکم هند، بسیاری هستند که عمیقاً از جامعه‌ای مدرن، باز و اقتصادی رویگردان و از اینکه «رشد» را پیرامون خود می‌نگرد ناراضی‌اند.

اما دولت نقشی اساسی دارد. به موفقیت عظیم هند- شرکت‌های خصوصی‌اش- بنگرید. آنها به خاطر بازاری قانونمند و سیستمی مالی که شفافیت، توانایی و قابلیت اجرایی دارد، شکوفا شده‌اند. [در یک کلام] تمام کارکردهای دولت یا بخش رو به گسترش ارتباط از راه دور را بنگرید، که به وسیله دولتی خردمند با برطرف کردن ممنوعیت‌ها و بازسازی قوانین ایجاد گردیدند. بنیادهای تکنولوژی هند- در میان بهترین‌های جهان- همگی توسط دولت ایجاد شدند. اما این تازه آغاز کار است. بخش خصوصی نمی‌تواند بحران ایدز یا فقدان آموزش روستایی یا مشکلات زیست محیطی هند را برطرف کند. اگر شیوه حکومتی و اداره هند بهبود نیابد، این کشور هرگز کاملاً به پتانسیل خود دست نخواهد یافت. شاید این پارادوکس اصلی هند امروز باشد. جامعه‌اش باز، مشتاق، مطمئن و آماده استفاده از [تجربیات] دنیا است. اما دولتش- طبقه حاکمه‌اش- در مورد واقعیات متغیر پیرامونی‌اش بسیار مردد، محتاط و مظنون است. در هیچ کجا این تنش آشکارتر از حوزه سیاست خارجی نیست. در تعیین نقش مهم و بسیار روزافزون هند که چگونه باید خود را با جهان جدید هماهنگ و منطبق سازد. بسیاری از آمریکایی‌ها متعجب خواهند شد که بدانند هند، با تمام تفاصیل، بزرگترین کشور حامی آمریکا در جهان است. «نظرخواهی گرایشات جهانی» که توسط Pew انجام گرفت و در ژوئن ۲۰۰۵ منتشر شد، از مردم ۱۶ کشور پرسید که آیا تاثیری مطلوب از ایالات متحده احساس کرده‌اند؟ بیش از ۷۱ درصد هندی‌ها پاسخ مثبت دادند. یافته اساسی درست است: هندی‌ها از آمریکا بسیار راضی هستند و دید خوبی از آمریکا دارند.

این شاید بدین خاطر باشد که دولت هند دهه‌ها در تلاش بوده تا شعار ضدآمریکایی را به زور از دهان مردم دور کند. سیاستمداران در دهه ۱۹۷۰ اغلب از «دستان پنهانی» صحبت می‌کردند که در زمانی که دشواری‌ها و سیه‌بختی‌های هندیان را بر زبان می‌آوردند ـ که به واسطه آن منظورشان همان CIA یا دخالت‌های آمریکا به طور کلی بود ـ و کاریکاتوریست‌ها دستانی را ترسیم می‌کردند که هرازگاهی بیرون آمده و باعث سیه‌روزی می‌گردد. در همه این موارد منظورشان هند بود. آمریکا هم جامعه‌ای پرسروصدا و باز است با یک سیستم دموکراتیک هرج و مرج گونه ـ مثل خود هند. بسیاری از هندی‌های شهرنشین به زبان آمریکایی تکلم می‌کنند، با این کشور آشنا هستند و غالباً کسی را که در آنجا ـ احتمالاً حتی یک خویشاوند ـ زندگی می‌کند می‌شناسند. جامعه هندی ـ آمریکایی پلی میان این دو فرهنگ بوده است. این مسئله [مهاجرت هندیان به آمریکا] در گذشته به عنوان «فرار مغزها» تعبیر می‌شد. اما بیشتر شبیه به «به‌دست آوردن مغزها» برای هر دو طرف بوده است. هندیان مقیم در سایر کشورها نقشی حیاتی در باز کردن [اقتصاد و . . .] کشور مادر ایفا کرده‌اند. آنها با پول، ایده‌های سرمایه‌گذاری و استانداردهای جهانی به کشور خود بازمی‌گردند و معتقدند هر کس هر آنچه را که بخواهد می‌تواند به دست آورد. روزی یکی از نمایندگان پارلمان هند از نخست‌وزیر فقید، ایندیرا گاندی پرسید: «چرا هندی‌ها در همه جا غیر از وطن خود موفق هستند؟» داستان هندیانی که بالاترین جایگاه را در آمریکا دارند، باعث افتخار در هند شده است. آمریکایی‌ها ـ به سهم خود ـ آغوش خود را تا حدودی به روی هندیان گشوده‌اند زیرا تجربه مثبتی از هندی‌های مقیم آمریکا دارند.

آمریکایی‌ها همچنین هندی‌ها را قابل فهم‌تر می‌دانند. آمریکایی‌ها از نخبگان تصمیم‌ساز غیرقابل درک و نفوذ مثل کمیته اجرایی حزب کمونیست چین، یا شورای نگهبان ایران سردرگم و ناراحت هستند. آمریکا مراقب است که چه چیزی در دهلی‌نو اتفاق می‌افتد، چرا که مسائل مشابهی نیز هر روزه در واشینگتن رخ می‌دهد. بسیاری از کشورها روابطی دارند که تقریباً به طور انحصاری و فقط در میان دولت‌ها است. ارتباط میان

بخش پایانی

ایالات متحده و عربستان سعودی را در نظر بگیرید که این ارتباط تنها میان چند تن از مقامات برقرار است و فراتر از این نمی‌رود. اما گاهی روابط نه تنها میان دولت‌ها که میان جوامع هم بسط می‌یابد. در گذشته دو بار ایالات متحده روابطی با کشوری بسط داده که استراتژیک و بلکه بسیار استراتژیک بوده ـ رابطه با بریتانیا و اسرائیل. در هر دو مورد، نتیجه روابط عمیق و گسترده بوده و این روابط فراتر از مقامات دولتی و مذاکرات دیپلماتیک پیش رفته است. هر دو کشور همدیگر را می‌شناسند، همدیگر را می‌فهمند و در نتیجه شرکای طبیعی و تقریباً دائمی گردیده‌اند. آمریکا از فرصت شکل دادن به چنین روابطی با هند برخوردار است.

این یک موضوع «توازن‌بخش» استراتژیک در برابر چین نیست. جهان این قدر ساده نیست. رابطه آمریکا با چین همراه با عناصر بسیاری از تعامل و همکاری پیچیده است. روی هم‌رفته، چین یکی از سرمایه‌گذاران مهم در آمریکا است و آمریکایی‌ها هم در عوض کالاهای چینی را به عنوان سوختی برای رشد چین خریداری می‌کنند. هند خواهان این نیست که به عنوان وزنه‌ای تعادل بخش در برابر چین مطرح باشد چرا که روابطش با همسایه قدرتمندش بسیار حیاتی است. پکن به عنوان بزرگترین شریک تجاری هند طی چند سال، [بازار] آمریکا را تسخیر خواهد کرد. هند و آمریکا خواهان حفظ استقلال خود در تعامل قلمروهای میانی هستند. گفته می‌شود ظهور چین تغییر استراتژیک بنیادینی است که در حال تغییر دادن چشم‌انداز آسیا ـ جهان ـ است و ایالات متحده و هند خوشحال خواهند شد که شرکت‌های یکدیگر را در این شرایط حفظ کنند. این به معنی آن نیست که ایالات متحده و هند در مورد هر موضوع سیاسی با هم توافق داشته باشند. به خاطر داشته باشید که روزولت و چرچیل حتی با وجود اتحاد نزدیکشان در زمان جنگ، درباره مسائلی چند مخالف یکدیگر بودند، یکی از آن مسائل مهم، استقلال هند بود. آمریکا در مورد سوئز از بریتانیا جدا شد. اسرائیل را به خاطر حمله به لبنان تحریم کرد. با این حال، واشینگتن و دهلی‌نو منافع متفاوتی دارند و بنابراین کشمکش‌های سیاسی اجتناب‌ناپذیری هم دارند. اما دقیقاً به خاطر روابط عمیق میان این کشورها است که چنین مخالفت‌هایی واقعیت اساس دوستی، همکاری و تعامل را تغییر نخواهد داد. چنین روابطی میان ایالات متحده و هند تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. اینکه آیا توافق هسته‌ای به نتیجه برسد یا نرسد، اینکه هر دو دولت توافق‌های جدیدی امضا کنند، جوامع هر دو طرف به‌طور روزافزونی در هم تنیده می‌شوند. زبان مشترک، نگرش‌های جهانی نزدیک و جذابیت روزافزون هر دو طرف، تاجران، فعالان غیردولتی، روزنامه‌نگاران و نویسندگان را گردهم خواهد آورد.

من عبارت «تقریباً اجتناب‌ناپذیر» را به کار بردم بدین خاطر که کششی علیه این نزدیکی در هر دو طرف وجود دارد. در آمریکا، همیشه این خطر وجود دارد که سیاستمداران به سمت پوپولیسم و سیاست‌های حمایتی [سیاست حمایت از کالاهای داخلی با تحمیل تعرفه] به‌عنوان آسانترین روش برای کسب آرا روی آورند. لذا تاکنون موانع محدودیت‌ساز، محدود و موقتی بوده اما هرچه انتخابات نزدیک می‌شود و سیاستمداران به دنبال جلب توجه می‌گردند آسان است که خارجیانی را بیابی تا مشکلات خود را به گردن آنها بیندازی. به علاوه، واشینگتن در حال آموختن هنر برخورد با دیگر کشورها براساس احترام است همانگونه که آنها انتظار دارند ـ و هند می‌تواند از این بابت مفتخر باشد. اما مانع واقعی برای روابط عمیق هند و آمریکا از سوی دهلی‌نو است نه واشینگتن. از آنجا که سینگ و برخی دیگر از مقامات رده بالای هند دنیا را واضح و آشکار می‌نگرند و فرصت‌های هنگفتی را در پیش‌رو می‌بینند که برای هند به ارمغان می‌آید. بسیاری دیگر چشم‌ها را بر تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها می‌بندند. برای بسیاری از نخبگان هندی، اینکه از پشت عینک فقر و به‌عنوان کشوری جهان سومی با سیاست خارجی بی‌طرفانه و بی‌تفاوت به جهان بنگرد، آسان و راحت است. آنها می‌دانند که در آن دنیا چه باید بکنند، با چه کسی به چانه‌زنی بپردازند، از چه کسی درخواست کنند و با چه کسی دشمن باشند. اما در دنیایی که هند در آن یک قدرت بزرگ است، در دنیایی که هند در آن با اطمینان به سمت مرحله جهانی شدن گام می‌گذارد و در دنیایی که در آن هند دوست و شریک قدرتمندترین کشور است- روی هم رفته خود پیش فرضی چالش‌آور است. بسیاری از افراد بدبین و غیرمعتقد هندی مکرراً از من پرسیده‌اند: «چرا ایالات متحده اینقدر با ما خوب است؟». با این حال، خطر برای هند در این است که این موقعیت ممکن است برای همیشه دوام نیاورد. دنیا در حال چرخش و دگرگونی است و هند هم با این موج به بالا و پایین می‌رود. اما امروز، زمان، زمان هند است. می‌تواند آن را برباید و مسیر جدیدی برای خود بسازد. در کنار آن مسیر روابطی عمیق و واقعی میان بزرگترین و ثروتمندترین دموکراسی‌های روی زمین شکل می‌گیرد. تاکنون، این شعاری بیش نبوده است. اما می‌تواند به واقعیت هم تبدیل شود و چه کسی می‌داند که چنین جهانی به چه می‌ماند؟

منبع : نیوزویک

هواداران القاعده مشمول کنوانسیون‌های ژنو نیستند

گفت‌وگوی الحیات با جان بلینجر مشاور حقوقی وزیر خارجه آمریکا

ترجمه : سعید آقاعلیخانی

■ **این روزها رفت‌وآمد به لندن برای بررسی اوضاع عراق شدت گرفته است. غرب اکنون چه چیزی را در عراق دنبال می‌کند؟**

ما جلب حمایت بین‌المللی از دستگاه قضایی عراق به ویژه در جریان محاکمه صدام حسین را دنبال می‌کنیم. اکنون بر سر ضرورت رسیدگی به موارد متعدد نقض حقوق بشر و ارتکاب جرایم مختلف در عراق نوعی اجماع بین‌المللی به‌وجود آمده است. عراقی‌ها پس از آغاز محاکمه صدام بیش از گذشته خواستار حمایت قضایی جامعه بین‌المللی هستند اما آن همکاری منسجم و ضرب‌الاجلی که برای تامین این خواسته لازم است هنوز به‌وجود نیامده است.

■ **از نظر شما همکاری مطلوب چگونه است؟**

عراقی‌ها می‌خواهند صدام در عراق محاکمه شود و برای برگزاری این دادگاه نیازمند کمک مجامع بین‌المللی هستند. جامعه بین‌الملل می‌تواند با اعزام نیروی متخصص برای کشف گورستان‌های جمعی، شناسایی مقتولان و مطابقت دادن اجساد با فهرست مفقودین یا اسرا، مصاحبه با شاهدان و محافظت از وکلا و دست‌اندرکاران دادگاه به روند برگزاری دادگاه صدام حسین کمک شایان توجهی کند.

■ **چرا روند دادگاه صدام حسین اینگونه پیش می‌رود و رفته‌رفته شکل فرمایشی به خود می‌گیرد؟**

رسانه‌ها صادقانه با این موضوع برخورد نمی‌کنند. این دادگاه قاضی کارآزموده‌ای دارد، شهود با وجود خطراتی که متوجه آنان است به ادای شهادت خود می‌پردازند و مردم در جریان وقایع لحظه به لحظه دادگاه قرار می‌گیرند. من نمی‌گویم این دادگاه بی‌کم و کاست است اما باید این مسئله را نیز در نظر گرفت که در شرایط دشوار امنیتی، دادگاهی تشکیل شده که به دنبال اجرای عدالت است. یکی از مشکلات عمده این دادگاه خود صدام و همپالکی‌هایش هستند. شما ببینید که چطور صدام در نهایت آزادی دهانش را باز می‌کند و هرچه دم دهنش می‌آید به قاضی می‌گوید، اگر چنین اتفاقی در یک دادگاه غربی می‌افتاد قاضی بلافاصله متهم را به دلیل بی‌حرمتی از دادگاه بیرون می‌انداخت و محاکمه به شکل غیابی ادامه می‌یافت.

■ **ماجرای اعتصاب غذای زندانیان گوانتانامو به کجا کشید؟**

از شمار اعتصاب‌کنندگان کاسته شده است. ما خبر اعتصاب غذای زندانیان را تائید می‌کنیم اما به خاطر داشته باشید که این اتفاق در بسیاری از زندان‌های جهان نیز اتفاق می‌افتد. شایعاتی که این روزها در مورد سوءرفتار با زندانیان به گوش می‌رسد کاملاً بی‌اساس است. توصیه ما به زندانی‌های اعتصاب‌کننده نیز این بوده که دست‌کم برای حفظ سلامتی خودشان هم که شده دست از اعتصاب بردارند.

■ **آیا به نظر شما این کار اخلاقی است که زندانیان را مجبور کنند در حالی که لوله‌های پلاستیکی در دهان و بینی دارند و به صندلی‌هایشان زنجیر شده‌اند، غذا بخورند؟**

متاسفانه بروز چنین اوضاعی تاسف‌آور است اما قضیه این‌طوری نیست که شما می‌گویید. معمولاً امتناع برخی زندانیان از خوردن غذا باعث می‌شود که بنا به توصیه پزشکان و جلوگیری از مرگ این افراد- در برخی موارد به اجبار- مواد غذایی لازم را به آنها برسانند چون وظیفه انسانی حکم می‌کند که از مرگ این افراد جلوگیری شود. با این حال من چنین صحنه‌ای را در گوانتانامو ندیده‌ام اما می‌دانم که اقدام درست در قبال اعتصاب‌کنندگان جلوگیری از خودزنی و مرگ آنان است خواه به میل و خواه به اجبار.

■ **فکر می‌کنید گوانتانامو شیوه کارآمدی بوده است؟**

ما به خوبی از نگرانی‌هایی که نسبت به این مسئله ابراز شده است آگاهیم. متاسفانه مسئله گوانتانامو به موضوع جنجال‌برانگیزی تبدیل شده است و ما نیز نمی‌خواهیم اینگونه شود اما به هر حال ناگزیریم افرادی را که مخل امنیت جامعه هستند در جایی نگهداری کنیم در عین حال از اینکه گوانتانامو به کانون اعتراض منتقدان ما تبدیل شده است ناخرسندیم. سعی ما بر این است تا جایی که امکان دارد محیط انسانی و شفافی را در این زندان فراهم کنیم. تاکنون ۲۵۰ تن از زندانیان را به کشورهایشان منتقل کرده‌ایم و بیش از هزار روزنامه‌نگار از این زندان بازدید کرده‌اند. سیاست مسئولان گوانتانامو این است که به محض مشاهده موارد نقض حقوق زندانیان و برخورد غیرانسانی به شدت با آن برخورد و عاملان آن را مجازات کنند.

■ **آیا وجود «اشباح زندانی» واقعیت دارد؟ زندانیانی وجود دارند که کسی از وجود آنها خبر نداشته باشد؟**

نمی‌دانم منظورتان از «اشباح زندانی» چیست. به عقیده من اگر معاهده ژنو را مبنا قرار دهیم، نمی‌توان زندانیان گوانتانامو را اسیر جنگی دانست اگرچه ما به صلیب سرخ اجازه داده‌ایم که با همه زندانیان دیدار کنند.

■ **هر کسی که این مسئله را دنبال کرده باشد بر این امر اذعان دارد که ادعای شما مبنی بر عدم اطلاع از وجود زندانیان موسوم به «اشباح زندانی» قانع‌کننده نیست. چطور می‌توان میان زندانیان وزارت دفاع آمریکا، سی‌آی‌ای، دادگستری و اف‌بی‌آی، فرق قائل شد؟ همه شما جزیی از نظام حاکم بر ایالات متحده هستید.**

به فرض اینکه کسی هم وجود داشته باشد بنا به دلایل امنیتی نمی‌توانیم به افراد اجازه دهیم که هر وقت خواستند با آنها دیدار کنند. اصولاً بنابر معاهده ژنو نیز ما در قبال آنها متعهد به رعایت قطعنامه‌های بین‌المللی مربوط به اسیران جنگی نیستیم. بسیاری از زندانیان ما تروریست‌های مرتبط با القاعده هستند یعنی سازمانی که حادثه ۱۱ سپتامبر را به‌وجود آوردند و چون ممکن است اطلاعات مهمی در اختیار داشته باشند، نمی‌توانیم به آنها اجازه دهیم که به‌راحتی با دنیای بیرون ارتباط برقرار کنند.

■ **یعنی هیچ محدودیت قانونی برای شکنجه این زندانیان وجود ندارد؟**

قوانین موجود در مورد نحوه رفتار با تروریست‌های زندانی مسکوت مانده است و معاهده ژنو نیز در مورد اسرای ارتش‌های سازمان‌یافته و تحت امر است اما ما برای این منظور چارچوب قانونی مشخصی را وضع و وارد سیستم قضایی ایالات متحده کرده‌ایم که طبق آن سوءرفتار با این دسته از زندانیان ممنوع است.

■ **خب شما هم به این دستور عمل کرده‌اید و مسئولان زندان‌های کشورهای هم‌پیمان با شما، پس از تحویل زندانیان به نمایندگی از شما به شکنجه آنان می‌پردازند.**

نه این‌طور نیست. البته چنین شایعات بی‌اساسی را برای ما ساخته‌اند اما اگر قرار بود هرکسی را که در جنگ به اسارت می‌گیریم تروریست بدانیم و همه را یک کاسه کنیم که الان باید هزاران نفر در گوانتانامو به سر می‌بردند. بسیاری از بازداشت‌شدگان، اکنون آزاد شده‌اند و برخی را نیز به کشورهای متبوعشان تحویل داده‌ایم. در تمام موارد نیز به «قانون منع سوءرفتار» پایبند بوده‌ایم. ما هیچ‌کس را به نیت اینکه کشور متبوعش او را شکنجه کند تحویل نداده‌ایم و این شایعات را تکذیب می‌کنیم.

■ **برای ممانعت از شکنجه و آزار این افراد توسط دولت‌های متبوعشان چه اقدامی کرده‌اید. آیا ضمانتی برای این کار گرفته‌اید؟**

ما افراد را به روش‌های مختلفی تحویل کشورهای دیگر داده‌ایم. طی سالیان متمادی افراد را از طریق روش‌های قانونی متداول و عادی تحویل دیگر کشورها می‌دادیم. ما سعی کرده‌ایم که زندانیان گوانتانامو را پس از گرفتن ضمانت‌هایی مبنی بر منع شکنجه این افراد به کشورهایی چون عربستان، مراکش، افغانستان و . . . تحویل دهیم. هرجا که احساس کرده‌ایم کشور تحویل‌گیرنده نمی‌تواند در این موارد به ما تضمین بدهد، زندانی را تحویل نداده‌ایم.

■ **اما شما کارشناسانی را برای گرفتن اقرار و شکنجه زندانیان به برخی کشورها فرستاده‌اید؟**

به هیچ وجه!

■ **آیا شما زندان‌های مخفی در اروپای شرقی دارید؟**

پیش از مصاحبه قرار شد سئوالی در مورد فعالیت‌های اطلاعاتی نپرسید. این شایعات را نه تائید و نه تکذیب می‌کنیم. طبیعت کار اطلاعاتی این است.

■ **در شمال آفریقا . . . ؟**

جواب من همان است که پیشتر نیز گفتم.

خبرها

تحریم اروپا علیه رهبران بلاروس

ایرنا : اتحادیه اروپا خود را آماده می‌کند از دوشنبه آینده علیه برخی از رهبران دولت بلاروس دست به تحریم بزند. این تحریم شامل ممنوعیت سفر به کشورهای عضو این اتحادیه است که مربوط به ۳۰ نفر از وزرا، نمایندگان مجلس و نمایندگان رئیس‌جمهوری و اعضای کمیسیون انتخابات بلاروس می‌شود. این تصمیم در پی دیدار روز گذشته «ولفگانگ شوسل» صدراعظم اتریش و رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا با «آلکساندر میلین کوویچ» رهبر یک حزب مخالف دولت بلاروس در وین اتخاذ شد. در این دیدار شوسل حمایت خود را از میلین کوویچ در سطوح اروپایی و نیز در چارچوب احزاب دموکرات مسیحی اروپا با هدف پشتیبانی از نیروهای دموکراتیک در بلاروس اعلام کرد. رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا در این دیدار همچنین موافقت خود را با اقدامات «گروه ویزگراد» در زمینه حمایت از دانشجویان بلاروس اعلام کرد. گروه ویزگراد شامل لهستان، جمهوری چک، اسلوونی و اسلواکی می‌شود که با هدف همکاری‌های سیاسی و تجاری تاسیس شده است. این گروه صندوقی را برای اعطای تسهیلات به دانشجویان مخالف دولت بلاروس که نمی‌توانند تحصیلات دانشگاهی خود را در کشورشان انجام دهند، تشکیل داده‌اند.

تحقیق در مورد حمله به هلمند

بی‌بی‌سی : نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در افغانستان برای تشخیص عامل کشته و زخمی شدن تعدادی از نفرات خود در هفته گذشته تحقیقاتی را آغاز کرده‌اند. منابع نظامی آمریکایی در افغانستان روز سه‌شنبه ۴ آوریل اعلام کردند که در پی حمله به پایگاه نظامی نیروهای ائتلاف در روز ۲۹ مارس که در جریان آن چند نظامی کشته و زخمی شدند، تحقیقاتی را به جریان انداخته‌اند تا مشخص شود که عامل این حادثه تیراندازی نیروهای مهاجم بوده‌اند یا این افراد در اثر آتش خودی کشته و زخمی شدند. در عملیات هلمند، یک سرباز آمریکایی و یک سرباز کانادایی جان خود را از دست دادند و یک نظامی آمریکایی، سه نظامی کانادایی و یک نظامی افغان نیز زخمی شدند. عملیات چهارشنبه هفته گذشته یکی از بزرگترین درگیری‌های نیروهای ائتلاف با شورشیان مظنون به وابستگی به طالبان در ماه‌های اخیر توصیف شده است و در جریان آن، واحدهای زمینی ائتلاف از حمایت نیروی هوایی نیز برخوردار بودند. منابع آمریکایی در پی این عملیات گفتند که سی و دو تن از شورشیان وابسته به طالبان را از پای درآورده‌اند.

عکس‌های شکنجه انگلیسی‌ها در گاردین

ایلنا : برای نخستین بار در انگلیس به تقاضای روزنامه گاردین برخی عکس‌های قربانیان برنامه مخفی شکنجه انگلیسی‌ها در آلمان اشغالی زمان آغاز جنگ سرد، منتشر شد. این عکس‌ها افرادی را نشان می‌دهد که در مراکز مخصوص بازجویی از سوی وزارت جنگ انگلیس مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند. روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارش منتشر شده خود تاکید کرد که برخی از این افراد در اثر شکنجه کشته شده‌اند و برخی از قربانیان نیز توسط وسایل شکنجه مورد استفاده در زندان گشتاپو، پلیس مخفی آلمان تحت حکومت هیتلر، مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند. این افرادی که برخی از عکس‌های آنان توسط روزنامه منتشر شد، اکثراً نازی نبوده‌اند بلکه کمونیست‌های دستگیر شده در سال ۱۹۴۶ بوده‌اند که از نظر انگلیسی‌ها مظنون به حمایت شوروی سابق بوده‌اند. بنابراین گزارش، دولت انگلیس که در آن زمان در فکر جنگ با شوروی بود، سعی می‌کرد از این طریق، اطلاعاتی درباره تکنیک‌های نظامی این کشور به دست آورد. به نوشته روزنامه گاردین، انگلیسی‌ها همچنین ده‌ها زن را به عنوان ماموران شوروی سابق دستگیر و شکنجه کرده‌اند. این عکس‌ها در فوریه سال ۱۹۴۷ توسط یک مقام از تفنگداران دریایی انگلیس حامی پایان برنامه مخفی شکنجه مقامات انگلیسی گرفته شده است.

شرودر از خود دفاع کرد

ایرنا : «گرهارد شرودر» صدراعظم پیشین آلمان که به سوءاستفاده مالی در پروژه انتقال گاز «گازپروم» روسیه متهم است، از خود در برابر این اتهام دفاع کرد. به گزارش روز سه‌شنبه منابع خبری اینترنتی، رجال سیاسی اپوزیسیون آلمان پرده از این ماجرا برداشته و شرودر را به سوءاستفاده مالی در پروژه انتقال گاز از شرکت روسی «گازپروم» متهم کردند. شرودر متهم است که به قصد منفعت‌طلبی قبل از کناره‌گیری از قدرت دولت متبوع وی اعتباری به مبلغ یک میلیون یورو به یک کنسرسیوم تحت قرارداد شرکت گازپروم به عنوان ضمانت اجرایی این پروژه پرداخت کرده است. مخالفان شرودر مدعی هستند «دولت وقت آلمان با فریبکاری توانست تصویب پارلمان را برای اعطای این وام به دست آورد.» شرودر در ارتباط با این رسوایی بزرگ، در مصاحبه با روزنامه‌های «هاندلزبلات» آلمان ادعای بی‌گناهی کرده و گفته است به هیچ‌وجه از تصمیم دولت برای اعطای وام و مذاکره در این خصوص اطلاع نداشته است. این قرارداد برای احداث خط لوله عظیم انتقال گاز سیبری روسیه به آلمان در ماه سپتامبر گذشته میان دولت‌های آلمان و روسیه به ارزش چهار میلیارد یورو به امضا رسید. صدراعظم سابق آلمان ماه گذشته به ریاست شورای نظارت بر اجرای پروژه درآمد. علاوه بر گازپروم، دو شرکت آلمانی EON و BASF هم در این پروژه سرمایه‌گذاری کرده‌اند.